

جسب و فیزی

فروخته شده...


مهرداد احمدی شیخانی

● چهارمین دوره حراج هنر مدرن تهران برگزار شد و با بیش از ۲۱۰ میلیارد ریال فروش به رکوردی جدید در فروش آثار هنری داخل کشور دست یافت؛ طوری که از ۱۲۶ اثر شرکت داده‌شده در حراج، ۱۲۵ اثر به فروش رفت؛ اتفاقی که هم در داخل و هم در خارج از کشور بازتاب گسترده‌ای داشت و شبکه‌های خبری و نشریات معتبر آن را پوشش دادند. مثلا گاردین در گزارشی این فروش را با توجه به تحریم‌ها و با مبلغی نزدیک به دوبرابر پیش‌بینی‌ها، بی‌سابقه دانست به‌خصوص که به‌دلیل تحریم‌های بانکی و مشکل انتقال پول، بیشتر خریداران، داخلی بوده‌اند. برخوردها اما در داخل کشور با این اتفاق رنگ و بویی دیگر داشت و گستره‌ای از نابوری تا نفی را دربر می‌گرفت.اما سخن منتقدان از چه گونه بود؟برخی منتقدان این حراج، آن را نمایشی و بی‌محتوا تعبیر کردند که سعی می‌کند حتی در جزئیات شبیه حراج‌های فرنگی به نظر آید. برای مثال دستکش سفید به‌دست‌کردن جابه‌جاکندگان آثار را، به پانتومیم تشبیه کردند، آن هم در وضعیتی که طی این سال‌ها، به دلیل سهل‌انگاری در برخی اماکن رسمی، برخی آثار صدمه جدی دیده‌اند. عده‌ای، قیمت بالای تعدادی از آثار را محل ایراد دانستند و جوزدگی و تازه‌به‌دوران‌رسیدگی خریداران و حضور صاحبان ثروت‌های بادآورده را دلیل آن دانسته‌اند.

گروهی نیز بر این نکته انگشت نهاندد که به‌فروش رفتن میلیاردي اثر یک هنرمند درگذشته که بحتمل در دوره حیاتش روزهایی بوده که توان مالی خرید یک پاکت سیگار را هم نداشته، تأسف‌برانگیز است و اینکه آثار هنرمندان درقدحیات با چنین اقبالی روبه‌رو نشده‌اند، را نشانه‌ای از بی‌توجهی به ساحت هنر دیده‌اند و حتی توجه نکردن مراجع رسمی به معیشت هنرمندان را هم در این بی‌توجهی خریداران به آثار هنرمندان درقدحیات مؤثر دانسته‌اند.

می‌توان از این دست، موارد دیگری نیز در اظهارنظرها دید، ولی به همین چند مورد بسنده کرده و نکاتی را که به گمانم در نقد این اتفاق نادیده گرفته شده اشاره‌وار بیان می‌کنم.



اول: چرا نمایشی بودن این حراج را منفی می‌بینیم؟ اگر بر این اعتقادیم که پاکرنتی اقتصاد هنر یک امر ضروری برای رونق فضای هنری کشور است و صاحبان سرمایه، خرید آثار هنری را باید به عنوان یک سرمایه‌گذاری مطمئن محسوب کنند، آیا روش بهتری جز برگزاری نمایش‌هایی اینچنین وجود دارد؟ این راهی آزموده در همه جهان برای جلب صاحبان سرمایه به خرید آثار هنری است. اتفاقا برای رونق اقتصاد هنر، گویبرداری از روش‌های امتحان‌شده راه‌حلی منطقی است. آن هم از نمونه‌های مشابهی که سال‌ها به جزئیاتی مؤثر برای چنین نمایش‌هایی فکر کرده‌اند.

دوم: خریدار این آثار خود می‌داند که پولش را به چه میزان برای یک اثر خرج کند. اگر یک اثر در چنین حراجی‌ای به چندبرابر قیمت پایه فروخته می‌شود، اتفاقی است که در جاهای دیگر دنیا نیز رخ می‌دهد. زمان به خریدار نشان خواهد داد که سرمایه‌گذاری مطمئنی انجام داده یا نه. این سبب خواهد شد که به مرور وجود «کارشناس خرید» به مانند سایر نقاط جهان در کشور ما نیز جایگاه خود را پیدا کند.

سوم: خریدار- سرمایه‌گذار همیشه به‌دنبال خرید مطمئن و سرمایه‌گذاری با کمترین ریسک است. برای چنین اتفاقی طبیعی‌ترین کار، خرید یک برند است؛ چیزی که در هر خریدی امری عادی است. نام‌ها در حراج آثار هنری نشان‌دهنده اطمینان در سرمایه‌گذاری هستند. یک کارگردان با شهرت جهانی، با هنرمندی متوفا که آثارش بارها با بالاترین قیمت فروش رفته، برای خریدار حکم یک برند را دارد و نشانه سرمایه‌گذاری مطمئن است، چه نیگوک باشد یا سپهری. برای خریدار این مهم نیست که هنرمند چه شرایطی در زمان حیاتش داشته، و مگر او مسئول وضعیت زندگی هنرمند است؟ او مانند هر سرمایه‌گذاری باید به منافع خودش و یک خرید موفق فکر کند و لاغیر.

چهارم: فروشنده و خریدار بخش خصوصی مسئول این نیست که مراجع رسمی چه برخوردی با آثار هنری داشته و دارند. اینکه چنین مراجعی است حمایتی از هنرمند می‌کند یا نه، موضوعی است که در جای خود باید به آن پرداخت، ولی بخش خصوصی‌بودن داستان دیگری است و انگیزه‌بخشی به بخش خصوصی برای هزینه‌کردن در گستره هنر موضوعی بسیار پیچیده. یادمان باشد در مورد هر اتفاق و رفتاری باید در بستر همان اتفاق و رفتار به قضاوت نشست.


جهانبخش نورانی

«من با مرگ مشکلی ندارم. سراسر زندگی‌ام همراه مرگ بوده است». این حرف را رضا دانشور با آرامش و لحنی استوار در ماه نوامبر، که از تهران به دیدارش به پاریس رفته بودم به من گفت و من را که توان غیبت ابدی آن ذهن زیبا و چهره مردانه مهربان را نداشتم، کمی آرام کرد. رفته بودم به او دلداری بدهم و بگویم امید به بهبودی و راه‌ایی از بیماری جانکاه را نباید از دست داد، اما شگفتا که او بود که به من دلداری می‌داد. سال‌ها پیش نیز یک‌بار دیگر با هم درباره مرگی که در گزارشی این فروش را با توجه به تحریم‌ها، خبر از خزان هنرهای نمایشی، در بهار ۹۴ می‌دهند. مشاهدات میدانی در سالن‌های مختلف خصوصی، نیمه‌خصوصی یا دولتی، نظاره‌گر صندلی‌های خالی در اجراهای مختلف هستند. دراین‌میان البته استثنائاتی هم وجود دارد. وقتی محمد رحمانیان، در سالن تازه‌گشایش‌یافته پردیس سینمایی جاسرو در مرکز پایتخت، نمایش «سینماهای من» را روی صحنه برد، در کمتر از یک هفته، بلیت‌های نمایش به پایان رسید و تمدیدهای چندباره، مخاطبان بسیاری را به سالتی که او و گروهش در آن اجرا داشته‌اند، کشاند. افشین هاشمی، که خود یکی از بازیگران نمایش پرتطرف‌دار این‌روزهای محمد رحمانیان است و همیشه در آثاری حضور داشته که با استقبال چشمگیر مخاطب روبه‌رو بوده‌اند، دلیل ریزش مخاطب را در سالن‌های نمایش چنین بیان می‌کند: «با روی صحنه‌رفتن نمایش‌های بی‌خاصیت و بی‌حرف، تماشاگر کم‌کم اعتمادش را به تئاتر از دست می‌دهد. اگر امروز استقبال از تئاتر کم شده، این نتیجه توقیف تئاترها و سانسور متن‌های نمایشی است، سانسوری که برآمده از سیاست‌گذاری بی‌خاصیت‌کردن و بی‌خطرکردن تئاتر است؛ سیاستی که باعث شده تئاترهایی روی صحنه بروند که از جهان دیگری حرف می‌زنند و آدم‌هایی در ناکجا که تا حد ممکن هیچ ربطی به ما و امروزمان نداشته باشند و این در حالی است که امروز امکان تبلیغات، بیشتر و بهتر از گذشته است». امکانات نوین تبلیغات در تئاتر، یکی از راه‌های کشاندن مخاطب به سالن‌ها به‌خصوص سالن‌های تازه‌تأسیس است. این ابزار تازه از جمله شبکه‌های مجازی اینستاگرام، تیوال و... راهی برای معرفی نمایش‌های تازه و سالن‌های جدید هستند. سیامک احصایی، سرپرست گروه تئاتر «ترمینال»، که به‌زودی بنا دارد «تونل» را با بازی فاطمه معتمدآریا در یکی از همین سالن‌های تازه‌تأسیس؛ یعنی تئاتر باران روی صحنه ببرد، از تدبیری که برای جذب تماشاگر به این سالن کمترشناخته‌شده اندیشیده می‌گوید: «با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به‌خصوص تیوال که شبکه اجتماعی مخاطبان تئاتر است و البته ابزارهای دیگری مثل پوستر و تراکت برای نمایشمان تبلیغ خواهیم داشت». احصایی ایدا با این فرضیه که اقبال مخاطب به نمایش کمتر از گذشته شده، موافق نیست و می‌گوید: «نمی‌توانم مخاطب تئاتر ریزش کرده یا نه، ولی می‌توان فکر کرد مسئله جذب مخاطب در تئاتر هم یک موضوع نسبی است.

نگاهی به وضعیت سالن‌های تئاتر

گر تن بدهی


محسن قصبیان

پریش ظرفیت سالن ما کامل بود؛ ۵۱ نفر. همه به‌جز شش میهمان بلیت خریده بودند. آن هم در روز یکشنبه که بنا به سنت، روز مناسبی برای تئاتر نیست. به‌گمانم برای سالتی خصوصی که تعریف مشخصی برای سطح کارهای ارائه‌شده در این سالن‌ها ندارد؛ من و گروه اجرایی باید ۱۲۰۱۰ شب صبر می‌کردیم تا به حضور مخاطب روبه‌رو شویم. سالن، تابلو ورودی ندارد. که ای‌کاش می‌داشت، با پنج هزار تراکت و بی‌شمار پوستر و چه و چه باز دوستی می‌گفت خبر نداشتم تئاتر بر صحنه برده‌ای. می‌دانید چرا؟ چون در سالن‌های مرسوم و مشخص اجرا نکرده‌ام. قصد کرده‌ام حامی بخش خصوصی باشم و لاقال نام من از دعاوهای بی‌شمار مقامی اجرا در محدوده سالن‌های دولتی و نیمه‌خصوصی خط بخورد. هزینه‌اش را هم، چه مادی و اعتباری می‌پردازم. اما مهم‌تر از همه اینها و بحث امکانات که لازمه سالن تئاتر است و نمی‌توان از تئاتر خصوصی با بضاعت کمش انتظار بالایی داشت، آنچه تماشاگر را به سالن می‌کشاند، سابقه اجرای موافق یا بهتر است بگویم اجراهایی با موفقه‌های خاص و مشترک است. این نکته باعث می‌شود مخاطب نوع میثاق و قرارداد خود را با یک سالن خاص بداند؛ مشابه تعریفی که با شنیدن تالار وحدت در ذهن ایجاد می‌شود. راهی طولانی تا شکل‌گیری تئاتر خصوصی داریم که امیدوارم با حمایت بخش خصوصی و تسهیل مفاد و لایحه و طرح‌های لازم برای تشویق بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری برای فرهنگ و هنر و به‌خصوص تئاتر، نیز تحف تئاتر جان بگیرد. علاوه‌براین حمایت دولت از تئاتر، که به جان خودم قسم در تمام ممالک، تئاتر همچون دیگر گونه‌های اجرا از ورزش و مراسم آیینی و

هنر

به یاد رضا دانشور

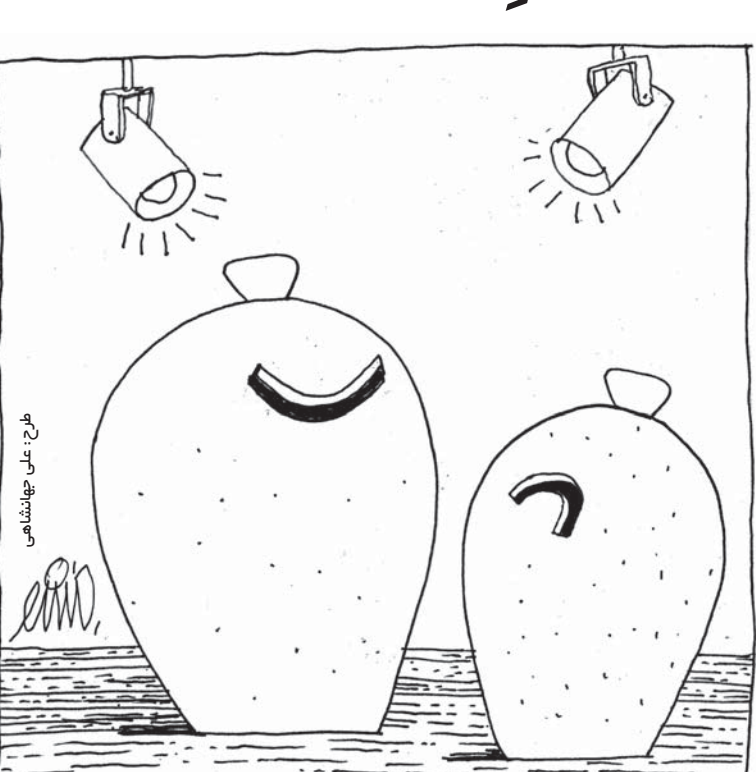
زیباترین مرد مغروق دنیا



که می‌تواند ادامه جذاب‌تر حیات باشد، صحبت کرده بودیم؛ در میانه دهه ۵۰ که هردو در یادگان چهل‌دختر شاهرود سرباز بودیم. همان‌جا بود که هم را بافتیم و دوستی‌مان ریشه گرفت. فراغتی بود و من داشتم داستان «زیاترین مرد مغروق دنیا»ی گابریل گارسیا مارکز را ترجمه می‌کردم. رضا با آن گنجینه شگفت‌آور وژگان فارسی و حس کم‌همتمایی که در ارتباط با موسیقی کلمات داشت، به من یاری داد تا جنس متن را به شعر نزدیک

سالن‌های تئاتر کم‌رونق شده‌اند؟

خزانِ نمایش در بهار



خیلی‌وقت‌ها تماشاگران از یک نمایش استقبال می‌کنند و خیلی وقت‌ها خیلی نمایش‌ها با تماشاچی اندک روی صحنه می‌وند. مثلا اخیرا نمایش آقای نعیمی یعنی «سقراط» صدوچندشعب در تالار بزرگی مثل وحدت اجرا رفته و هرشب تمام صندلی‌هایش فروخته شده و باز هم اگر اجرا شود، مخاطب دارد. به‌هرحال بعضی نمایش‌ها تماشاچی دارند و بعضی دیگر هم ندارند ولی چرای‌اش را من واقعا نمی‌دانم. مسئله افزایش سالانه ۲۰ درصدی بهای بلیت، آن هم برای محصل فرهنگی‌ای مثل تاتر که بخش عمده مخاطبانش را قشر دانشجو تشکیل می‌دهند، از آن اتفاقاتی است که

حلقه‌های دود سیگارش که حالا مهم نبود برایش خوب باشد یا بد باشد بر چهره‌اش می‌لغزید. ناگهان در سیمایی او آرامش مرد مغروقی را دیدم که چون داستان مارکز، اقیانوس زندگی او را به ساحل آورده بود تا مردمان جهان را با عظمت حضور خاموش خود به شگفتی درآورد و خواب‌های خالی‌شان را با دلپذیرترین رویاها پر کند. رضا در آن لحظه زنده‌تر و جاودانه‌تر از آنجا هم با اندیشه مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کردیم و حقا که رضا در سخن‌گفتن از مرگ استادی چرپدست و پرمایه بود و هر نکته او در این‌باره آدمی را سحر می‌کرد. ماه نوامبر وقتی به من می‌گفت که هراسی از مرگ ندارد، راستی این گفتار در چهره و رفتار بی‌تشویش او پیدا بود. در خیابان بودیم. باران نرمی می‌بارید و خواهد کرد.

است و می‌گوید: «با توجه به اینکه سالن موج نو کمتر شناخته‌شده است و جایی قرار دارد که در مرکز تئاتری شهر نیست و نیز با توجه به اینکه یک مونولوگ است که شاید برای کسانی که مرا نمی‌شناسند جذابیت نداشته باشد و بازیگر چهره هم در معنای مرسوم ندارد، من استقبال از نمایش را خوب ارزیابی می‌کنم. البته آماری ندارم درباره اینکه پیش از این مونولوگی به صحنه رفته باشد و تماشاگر از آن استقبال خوبی کرده باشد، که حالا بخواهم بگویم با توجه به تجربه‌های پیشین نمایش من موفق بوده. شاید به این دلیل که کمتر مونولوگ اجرا می‌شود و اغلب مونولوگ‌ها هم تعداد شب‌های محدود اجرا و تماشاگر محدود دارند. بهبودی به عنوان یک بازیگر سابقه‌دار تئاتر، دلائل خالی‌ماندن صندلی‌های بعضی اجراهای تئاتر را چنین عنوان می‌کند: «اخیرا خودم درگیر اجرا بودم و خیلی از اجراها را ندیدم و از نزدیک شاهد نبوده‌ام که سالن‌ها کم‌رونق شده باشد. اما اگر چنین شده باشد، شاید دلایلش این است که اخیرا سالن‌های کوچک و متعددی در گوشه‌وکنار شهر در حال رونق‌گرفتن است. آن تعداد کم‌وبیش مشخص تماشاگری که تاکنون بوده، احتمالا دیگر تقسیم شده در سالن‌های مختلف. الان به نسبت سه سال پیش شاید به دلیل همین تعدد سالن، تعداد اجراها در یک بازه زمانی بیشتر شده باشد. تماشاگران همیشگی که تعدادی مشخص دارند، اولویتشان را بنابر سلیقه و اجراها بین چند اجرا تقسیم می‌کنند و از همین‌رو، برخی سالن‌ها با کمبود تماشاگر روبه‌رو می‌شوند». اما محمدحسن معجونی، سرپرست گروه تئاتر لیلو، که در سال‌های اخیر اغلب نمایش‌هایش با استقبال تماشاگران مواجه شده، خالی‌بودن سالن‌ها را در یکی، دو ماه گذشته، معلول گرانی بلیت نمایش‌ها نمی‌داند. او در این‌باره می‌گوید: «مسئلا خالی‌بودن سالن‌ها نمی‌تواند به‌دلیل گرانشان بلیت باشد، بلکه به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل این اتفاق کیفیت‌نداشتن اجراهاست. وقتی اجراهای تئاتر از کیفیت لازم برخوردار نباشند، به قهر تماشاگر مواجه خواهند شد و نمی‌توانند مخاطب را جذب کنند». به‌نظر می‌رسد اجرای تئاتر در موقعیت کنونی، با توجه به میزان تماشاگر محدود و آسیب‌هایی که در سط‌های پیش به آنها اشاره شد، کار را برای مدیران سالن‌ها و اجرای‌هایی هنرور هم مخاطبان بسیار دارد. این در حالی است که سالن‌های ایران‌شهر که در اغلب اجراها نیمه‌خالی‌اند، از ابتدای امسال بلیت ۳۰هزارتومانی دارند. بهبودی از استقبال مخاطبان نمایشش راضی

با انتقاد از بخش پوستر و عکس

جشنواره «نهال» به پایان رسید

شرق: نماینده داوران بخش پوستر و دبیر بخش عکس و پوستر دوازدهمین جشنواره فیلم کوتاه دانشجویی نهال از پایین‌بودن سطح کیفی آثار انتقاد کردند. مراسم اختتامیه دوازدهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه دانشجویی «نهال» دوشنبه، یازدهم خرداد در تالار ایوان ششم برگزار شد. ادامه وحید کاشانی، نماینده داوران پوستر نسبت به آثار این بخش انتقاد کرد: «پوستر قبل از فیلم دوره از جشنواره به دبیرخانه ارسال شده، ارزش حرفه‌ای و کیفی چندانی نداشت و امیدواریم سال‌های آینده شاهد پیشرفت در این بخش باشیم. علاوه‌برآن در بسیاری از پوسترها از خط و زبان انگلیسی استفاده شده که این مسئله تأسف‌برانگیز است، به همین دلیل داوران، پوسترهایی با رویکرد فارسی را در اولویت قرار دادند.» دیلم افتخار بهترین دبیر عکس و پوستر هم علت حذف سباقه عکس جشنواره را، پایین‌بودن تعداد و کیفیت آثار ارسالی عنوان کرد: «برای ارتقای کیفیت عکس‌ها درصدد برگزاری کارگاه آموزشی عکس با همکاری حبیب مجیدی بودیم که در جشنواره امسال فرصت برگزاری آن را پیدا نکردیم، اما تلاش می‌کنیم در این فصل جدید شروع کلاس‌های دانشگاهی، این کارگاه را در دانشکده سینما تئاتر برگزار کنیم.» پس از آن، برگزیدگان بخش‌های مختلف اعلام شدند. از حسین اسفندیاری برای پوستر «فیلم ۴ ماه و ۲ هفته و ۳ روز» و سهراب هیمن، برای پوستر «فیلم آمن» تقدیر شد. جایزه بخش جنبی به مهرداد موسوی برای پوستر فیلم «فاکتور صوری» و جایزه اصلی به مهدی رضایی برای پوستر فیلم «مات» اهدا شد. جایزه بهترین فیلم داستانی بالای ۱۵ دقیقه به «کشتارگاه» به کارگردانی بهزاد آزادی، بهترین فیلم داستانی زیر ۱۵ دقیقه به «روشویی» به کارگردانی جابر رضائی، تندیس بهترین فیلم

واکنش

یادداشتی بر تکذیب شوالیه‌آواز

● پیرو درج مطلبی از شهرام ناظری در ماهنامه گزارش موسیقی شماره ۲۴ و متعاقبا چاپ تکذیب این خواننده در روزنامه «شرق» مورخ ۱۲ خرداد جاری نسبت به مطالب آن گفت‌وگو، نشریه گزارش موسیقی یادداشتی در پاسخ به آن تکذیب در اختیار این روزنامه قرار داده که می‌خوانید:«رسالت مطبوعاتی نشریه گزارش موسیقی هیچ‌گاه جوسازی و مبتنی بر تحریف نبوده و نیست بلکه بر شفاف‌سازی و نقد سازنده استوار بوده که بدین‌منظور برای دستیابی به نتیجه مطلوب، به گواهی تمامی مطالب مطرح در شماره‌های گذشته تاکنون کماکان از نقطه‌نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران بهره برده است. که در این راستا بیانات نقادانه شهرام ناظری بر شیوه آوازخوانی همایون شجریان با تیتَر «شاهنامه‌خوانی کار هر کسی نیست» دقیقاً قسمتی از یک گفت‌وگوی بلند با طرح موضوعات متنوع بوده که چندی پیش توسط همکاران صورت گرفته و فایل صوتی قسمت مربوطه در اختیار مجله می‌باشد که نه‌تنها تحریفی در آن صورت نگرفته بلکه تلاش گردیده است به محتوای متن خدش‌ای وارد نشود. حال آنچه این دست تقد‌های بی‌پیرایه ممکن است سبب دلخوری شود ریشه در پایین‌بودن ظرفیت نقدپذیری در جامعه داشته به‌طوری‌که اغلب صاحب‌نظران این حفظ منافع فردی از ارائه هرگونه نقد کارشناسی پرهیز دارند یا ناچار به انکار سخنان خود می‌شوند و متأسفانه منافع عمومی را فدا می‌کنند. این نشریه ضمن احترام به اعتقادات جناب ناظری معتقد است آنچه وضعیت موسیقی را ناپسامان کرده بی‌تفاوتی نسبت به رویدادهای فرهنگی است که اجازه امکان هرگونه بنتر ناسالم در حوزه فرهنگ و هنر را ایجاد می‌کند».

زیر آسمان فیر وزهای

معرفی نامزدهای تلویزیونی

جشن «حافظ»

● **شرق:** پانزدهمین جشن حافظ (دنیای تصویر) پس از یک وقفه، از یک چهره تلویزیونی هم به تقدیر می‌کند. هیات داوران جشن حافظ، به مدیریت علی معلم، پس از بررسی برنامه‌های تلویزیونی سال گذشته، با تأکید بر مجری‌محوربودن برنامه، نامزدهای بخش چهره تلویزیونی سال پانزدهمین دوره جشن حافظ را انتخاب کردند.احسان علیخانی برای اجرای برنامه «ماه عسل»، عادل فردوسی‌پور برای اجرای برنامه «۹۰»، رامبد جوان برای «خوندانه» و مرتضی حیدری، مجری «پایش» نامزد بهترین چهره تلویزیونی و دریافت تندیس حافظ هستند. پیش از این داریوش ارجمند برای «طلوع ماه» و مرتضی حیدری برای «گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه ۲» برنده تندیس حافظ بهترین چهره تلویزیونی شده بودند.برای انتخاب چهره تلویزیونی، برنامه‌هایی مورد بررسی قرار گرفتند که از فروردین تا انتهای اسفندماه ۹۳ پخش شده‌اند.

تونل از امروز میزبان فاطمه معتمدآریا

● **شرق:** نمایش «تونل»، نوشته فارس باقری و با کارگردانی سیامک احصایی با بازی فاطمه معتمدآریا، شبنم مقدمی و روح‌الله قح‌قوی‌لسان از فردا ۱۷ خرداد با مدت زمان ۶۰ دقیقه همه‌روزه به استثنای روزهای شنبه از ساعت ۱۹:۳۰ در تئاتر باران روی صحنه می‌رود. این نمایش محصول گروه تئاتر ترمینال است.همچنین نمایش «هیچ‌کس نبود پیدارمان کند»، به کارگردانی پیام هکدری نیز در ساعت ۲۱ در این سالن روی صحنه می‌رود. در این نمایش فریبا متخصص، الهام پاوه‌نژاد، پیام ده‌کدری، خاطره حاتم‌ی، محمدرضا علی‌اکبری و... ایفای نقش می‌کنند و نمایش روایتگر زندگی خانواده‌ای در سال ۱۳۳۲ و اتفاقاتی است که برایشان رخ می‌دهد. این نمایش به‌لحاظ فضا و دغدغه‌های مطرح‌شده در آن، در ادامه همان نگاه موجود در نمایش‌های «مستغان‌خوانی» و «موتلد ۱۳۶۱» است.تئاتر باران در خیابان انقلاب، فلسطین‌جنوبی، پلاک ۲۹۲ واقع شده.علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت‌های تیوال www.tivall.com یا تیکت www.tik8.com مراجعه کرده یا به صورت حضوری به گیشه تئاتر باران مراجعه کنند.

سرخ‌ط

◀ **ایسنا:** گروه موسیقی «بمرانی» که آلبوم «مخرج‌مشترک» را منتشر کرده است، در ساعت ۲۱ روزهای ۲۴ تا ۳۱ خرداد کنسرت برگزار می‌کند.
◀ **مهر:** جشنواره فیلم لندن که از هفتم تا ۱۸ اکتبر امسال برگزار می‌شود، با فیلم «حق رای» (Suffragette) با بازی کری مولیگان، هلنا بونام کاتر، آن ماری داف و مریل استرپ افتتاح خواهد‌شد.
◀ **شرق:** آنجلینا جولی پنجشنبه، چهارم ژوئن جلهمین سال تولدش را به همراه همسرش برد پیت و شش فرزندشان در یک جزیره خصوصی جشن گرفت.
◀ **شرق:** دومین جشنواره موسیقی نوآبی «آینه‌دار»، به دبیری محمدرضا درویشی از ۱۶ خرداد در تالار رودکی آغاز به کار کرد.